

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۰۵ ■ سه شنبه ■ ۷ مرداد ۱۳۹۹

ایران

مساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سرمدیر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۳/۱۱ | اذان مغرب ۳۱/۲۰ | نیمه شب شرعی ۲۲/۰۰ | اذان صبح فردا ۳۳/۴ | طلوع آفتاب فردا ۱۱/۶

حضرت زهرا سلام الله علیها:

خدای تعالی ایمان را برای پاکیزگی از شرک قرار داد و نماز را برای دوری از تکبر و خودخواهی.
الاحتجاج علی اهل اللجاج (طبرسی)، ج۱، ص۹۹

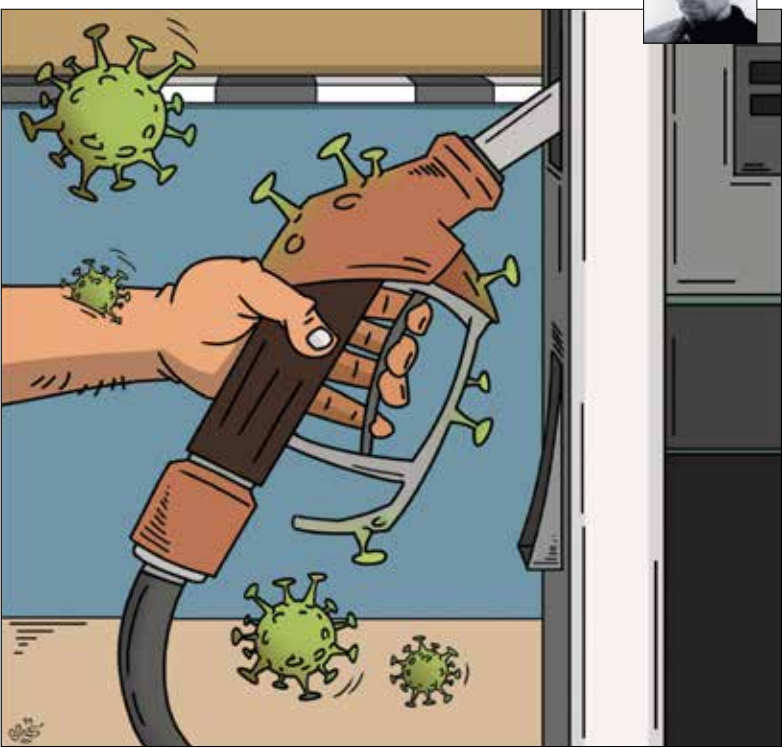
سخن روز

نگاره

سپهیل محمدی



خطر انتقال کرونا در جایگاه های سوخت



عهد الوفاق در عصر جدید

روزنامه الوفاق یکی از نشریات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران وارد بیست و سومین سال فعالیت خود شد. تولد «الوفاق» در سال ۱۳۷۶ با ایام ولادت حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم (مظهر صبر و رحمت) مصادف بود و اکنون پس از گذشت ۲۳ سال، سالگرد این تولد، مقارن با ایام مبارک ماه ذی‌الحجه و اعیاد قربان (مظهر عدالت و مهرورزی و

وغدیر خم (عید برادری و برابری) است.
براساس نام و هویت الوفاق، برادری و دوستی، و وفاق هدف اصلی این روزنامه است؛ برادری میان مسلمانان و میان مردم منطقه و جهان. زیرا طبق تعالیم اسلامی، تفرقه‌افکنی از برنامه‌های شیطان است و ایجاد برادری، مهرورزی و وحدت، گام نهادن در راه خداوند متعال. بنا به فرموده بنیانگذار جمهوری اسلامی «دعوت به اسلام، دعوت به وحدت است». براین اساس روزنامه الوفاق در

نزدیک به یک ربع قرن فعالیت خود نقش مؤثری در وحدت میان ملت‌های منطقه داشته و با فعالیت‌های رسانه‌ای خود در منطقه و جهان اسلام باور فکری مهمی در دیپلماسی رسانه‌ای بوده است که در این مسیر کمک شایان توجهی به اهداف نظام از جمله برادری و وحدت میان مسلمانان منطقه و نیز مقابله با اخبار یک‌سویه و گاه جعلی و تفرقه‌بر انگیز نظام سلطه داشته است.
روزنامه الوفاق برای تعداد زیادی از مخاطبان و مراکز تصمیم‌گیری در منطقه و کشورهای عربی شناخته شده است. این روزنامه پل ارتباطی مهم ایران با جهان عرب است؛ به‌علاقه درچهار مهم رسانه‌ای با جغرافیای وسیع عرب‌زبانان که تا آفریقا نیز گسترده شده و چه ابزاری بهتر از روزنامه‌ای عرب زبان برای ارتباط و شناخت بی‌واسطه

شهر وند

مجازی

یگانه خدایم

هشتگ

آمار کرونا اگزار قصد ندارد کمتر شود. همچنان تعداد روزانه مبتلایان و قربانیان در ایران بالاست و شرایط هیچ استانی خوب نیست. کاربران زیادی این روزها با هشتگ کرونا راجدی بگیریم، درباره نزدیک بودن این بیماری به همه و خطرانش می نویسند. از درگیری خود و خانواده‌شان با کرونا، خستگی کادر درمان، انتقاد از برگزاری کنکور و مراسم مختلف در این شرایط و دلیل اجرا شدن طرح ترافیک در تهران که روزهای سختی را می گذراند: «مگه اصل اول پروتکل‌های جهانی این نبود که از هر جمعی اجتناب کنید؟ چی شد که تبدیلیش کردیم به «برگزاری تجمعات با رعایت پروتکل ها؟»، «سوالی که شب میاد ایینه که دقیقاً چند هزار نفر دیگه باید بمیرن تا شما بفهمید که نباید عروسی و مهمونی بگیرید و برید، نباید سفر کنید، نباید اجاهای شلوغ برید، باید ماسک بزنید، و البته اشتباهاتونو توجیه نکنید؟»، «کنکور کرونایی! در حالی که قرار شده با رعایت پروتکل های بهداشتی کنکورهای سراسری بزودی برگزار شود، ولی اگر زیرساخت لازم برای درست عملی شدنش وجود نداشته باشه... احتمالاً با موج عظیمی از داوطلب‌های کنکوری آوده به کرونا مواجه خواهیم شد»، «چرا این آمار پایین نمیداد؟ امروز ۲۱۲ مرگ بر اثر کرونا مجموعاً تا حالا ۱۵ هزار و ۹۱۲ نفر بر اثر کرونا فوت شدن»، «می‌کن اگه کنکور برگزار شه، از هر سه نفر فرد حاضر احتمال اینکه یک تا دو نفر کرونا بگیره هست حالا با این

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
تایمر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵

پيامك: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روايك عمومي / نشاني: تهران خيابان خرمشهر شماره ۲۰۸

مستدق پستي: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
/ امور مشتركين: ۸۸۷۴۸۸۰۰

چاپ: شركت چاپ جام چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامي

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

تهران خيابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذيرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)

انتشارات مؤسسه فرهنگي مطبوعاتي ايران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

http://irannewsaper.ir

سيد جمال ساداتيان: بنگاه های اقتصادی از فرهنگ و هنر

حمایت‌نمی‌کنند

چند سالی است که این کله میان اهالی سینما وجود دارد که هیچ بنگاه اقتصادی را نمی بینیم که از حوزه فرهنگ حمایت کند و همه تمرکزشان روی حوزه‌های اقتصادی و کشاورزی است که ۱۰۰ درصد مطمئن هستند گردش اقتصادی و مالی قابل قبولی برایشان دارد، به همین دلیل چون فرهنگ برای اقتصاددان‌ها کمی ناشناخته است این جلسه برگزار شد تا طرف خود را به هم معرفی کنند و مابه عنوان نماینده‌ای از جمع هنرمندان بگویم در این حوزه پتانسیل برای جذب سرمایه‌های خارج از حوزه هنر وجود دارد و تأکید کنیم اگر سینما بزرگ شود، تأثیر آن در حوزه اقتصاد فرهنگی کشور چقدر می‌تواند باشد.

تهیه‌کننده سینما درباره برگزاری جلسه تهیه‌کنندگان با نمایندگان و کارشناسان سازمان فراپورس – ایران صحبت کرد. / ایستا



چرا توقع داریم هنرمندان هنرشان را به‌صورت رایگان عرضه کنند؟

یا هنرمند باش یا کاسب

اساس جامعه ساز و کاری ایجاد کرده که براساس آن هنرمند باید فداکار بماند و به هنرش با صرف وقت زیاد در کارش یارانه بدهد. ویژگی دیگر هنر این است که کالای شبه عمومی است. هرچقدر مردم از کالای عمومی استفاده کنند چیزی از آن کم نمی‌شود. هرچقدر مردم تابلویی را تماشا کنند از سهم دیگران کم نمی‌شود. ضمن اینکه کالای عمومی ویژگی دیگری هم دارد که کسی نمی‌تواند دیگران را از مصرفش منع کند. ضمن اینکه کالای عمومی استفاده رایگان دارد و کسی برایش پولی نمی‌پردازد. حالا می‌گوییم هنر کالای شبه عمومی است که می‌توانی موانعی برایش ایجاد و مثلاً اعلام کنی که برای تماشای آن باید بلیت تهیه کنی! اما اگر جامعه به رایگان بودن هنر عادت کرده باشد وقتی می‌گوییم برای آن باید پولی بپردازید این مسأله را تحمل نمی‌کند.

مردم تصویر شبکه‌های اجتماعی را از هنرمندان می‌بینند اما تصویر برنده‌ها نه یازنده‌ها. در رزیدادی مانند حراج تهران یک تابلوی نقاشی ۳ میلیارد تومان فروخته می‌شود یا یک بازیگر برای اجرای یک تئاتر ۸۰۰ میلیون تومان دستمزد می‌گیرد اما نکته این است که ۱۰۰ هنرمند در حراج تهران آثارشان بخوبی فروخته می‌شود و بقیه هنرمندان که تعدادشان بسیار زیاد است چنین امکانی ندارند و بر اساس ساخت بازار هنر نمی‌توانند و نباید داشته باشند. در غیر این صورت چرخ تجارت هنر نمی‌چرخد و سرمایه‌گذاری در آن بی‌معنی می‌شود. اما آن ۱۰۰ هنرمند در شبکه‌های اجتماعی همیشه مقابل دید مردم هستند و مردم بقیه هنرمندان را بد رستی نمی‌بینند.

هنر جزو خدمات حضوری است و خدمات حضوری در شرایط تحریم بسیار آسیب دیدند. تحریم بیشتر از هر کسی هنرمند را آزار می‌دهد و پس از تحریم، کرونا تقریباً معاش هنرمندان را تعطیل کرد. هنرمندی که تنها کار هنر می‌کرد اکنون با تنگنای جدی معاش مواجه است و این مسأله بسیاری از هنرمندان را آزار می‌دهد چون خدمات دیگری مانند آموزش هنر هم که مشغول آن بودند به‌دلیل شیوع بیماری کرونا تعطیل شده است. در این شرایط یک راه بیشتر برای هنرمند باقی نمی‌ماند که فعالیت‌هایش را در ستر دیجیتال عرضه کند و کلاس‌های آنلاین برگزار کند و خدماتش را به‌صورت آنلاین ارائه دهد. حال در این شرایط اگر هنرمندی تصمیم گرفت هنرش را آنلاین عرضه کند این خدمات باید رایگان باشد؟

فقر و غنی به روایت مرادی کرمانی

نوشته‌های هوشنگ مرادی کرمانی چندان سن و سال سرشان نمی‌شود، از دانش آموزی که تازه به دنیا ا نوجوانی قدم گذاشته تا پیرمردی با پیرزی ۸۰ ساله می‌توانند مخاطب کتاب‌های او باشند، نکته‌ای که درباره داستان «آب‌انبار» هم صادق است؛ کتابی متفاوت از دیگر نوشته‌های این نویسنده معاصر که اوایل دهه نود با همکاری نشر معین منتشر شده و بارها تجدید چاپ شده. اما عمده‌ترین تفاوت این کتاب با دیگر نوشته‌های مرادی کرمانی را شاید بتوان در تلاش او برای بهره گرفتن از نثری دانست که در آن درپایی از واژه‌های ادبیات کهن و حتی حکایت‌های قدیمی دیده می‌شود. اما چرا آب‌انبار کتاب خوبی‌بوژه برای نوجوانان است؟ شاید بخشی از پاسخ این سؤال را بتوان در تصویری جست‌وجو کرد که مرادی کرمانی در این داستان از زندگی نسل‌های گذشته ارائه کرده. روزگاری که هنوز خبری از دنیای مدرن و وسایل برآمده از آن نبوده و بویژه در مناطق کوریی آب‌انبارها اهمیت بسیاری داشته‌اند. بخش مهمی از خانه‌های روزگار دور که هنوز هم درپایی از آنها در شهرهایی همچون کرمان و یزد دیده می‌شود، هر چند که دیگر کاربردش ندارند و تنها فایده‌شان جلب توریست و گردشگر است. با آب‌انبار، فرصت برای مخاطبان نسل جدید فراهم می‌شود تا با سبک و سیاق زندگی گذشته آشنا شوند. اما نکته جالب‌توجه درباره این داستان حضور همچنان برقرار بخشی از روزگار کودکی خود مرادی کرمانی در ماجرای کتاب است که دوره زمانی آن شاید نهایت به ۷۰سال قبل بازگردد. ماجرا را مکتب خانه و پسر بچه‌هایی شروع می‌شود که شیخی در تلاش است تا به آنان درس زندگی بدهد و البته باهم موضوع فقیر و غنی در میان است. شخصیت‌های اصلی کتاب را نوجوانان تشکیل می‌دهند،

الماس که از خانواده‌ای متمول است و پدرش حامی بخشی از مخارج مکتب و عماد که خانواده‌ای فقیر دارد. عماد هنوز درکی از ثروت و تأثیر آن ندارد، منتهی متوجه شده الماس غذاهایی می‌آورد که فرق دارد، روزی برای گرفتن لقمه‌ای حالا از الماس حاضر به انجام کاری می‌شود که بخش عمده داستان بر محور آن می‌چرخد. آب‌انبار را که بخوانید نته‌تها از یکی دیگر از نوشته‌های این نویسنده معاصر لذت برده‌اید بلکه فرصتی برای آشنایی با بخشی از فرهنگ شهرها و روستاهای توابع کرمان قدیم هم پیدا می‌کنید.

عکس نوشت

امروز تابلوهای نقاشی سه‌گانه بنکسی با هدف جمع‌آوری کمک مالی برای بیمارستانی در «بیت‌لحم» به مزایده گذاشته می‌شود. انتظار می‌رود این سه تابلو نقاشی رنگ روغن که به بحران مهاجرت اشاره دارند و به «منظره دریای مدیترانه» شناخته می‌شوند به قیمت ۸۰۰ هزار الی ۲/۱ میلیون پوند به فروش برسند. قرار است این سه اثر در جریان حراجی ساتیز در کنار خوندگاره‌ای از «امبرانت» به فروش گذاشته شوند.

گویب چیزی کم کرده بودم.

پاره‌ای از قلبم کم‌شده بود. بیش

از آن هر صبح به آن امید، سراز

بالین برمی‌داشتم که هنگام

غروب آنگاه که مجلس درس در

خانه محمدحسین‌خان پایان

می‌گرفت از عمارت بیرون بیایم و

به بهانه از یر کردن یادداشت‌هایم

از میان باغ بروم به سمت

پشت عمارت، نزدیک پنجره

مشبکی که شیشه‌های رنگارنگ

خوش‌منظره‌ای داشت...

۷ مرداد

به نام تاریخ

در روز جشن باستانی مردادگان باید از کارگردان بزرگی یاد کنیم که امروز سالروز تولد اوست. از

مسعود کیمیایی. در کنار هنرمندان و چهره‌های فرهنگی دیگری که امروز به دنیا آمده یاد ر گذشته‌اند.

تولدها



مسعود کیمیایی، کارگردانی که فیلم «قیصر» او یکی از شناخته‌شده‌ترین و محبوب‌ترین فیلم‌های سینمای ایران است سال ۱۳۲۰ به دنیا آمد. نام او با فیلم‌هایی چون سرب، تیغ‌واریش،م، ردیای گرگ، شهرت یافت، اعتراض و سلطان

گره‌خورده و در صفحات فرهنگی امروز روزنامه ایران درباره‌اش می‌خوانید.
رحیم نوروزی، بازیگر سینما و تلویزیون که بازی اش در سریال «پس از باران» همچنان ماندگار است امروز ۵۳ ساله می‌شود. رحیم نوروزی با حضور در کلاس‌های بازیگری بهروز بقایی و بهزاد عشقی این هنر را آغاز و با

بازی در نمایشنامه‌های اکبر رادی به‌صورت جدی بازیگری را دنبال کرد. «پس از باران» و نقش فرخ، رحیم نوروزی را به شهرت رساند و پس از آن در فیلم‌ها، تئاترها و سریال‌های بسیاری بازی کرد. نمایش‌هایی چون «افرا روز می‌گذرد» به کارگردانی بهرام بیضایی، «یک صبح ناگهان»، «مرگ فروشنده»، «عشق و عیالینچاپ»، «سریال‌هایی مانند «خانه‌ای در تاریکی»، «کلانتر»، «شهریار»، «مدار صفر درجه»، «روز حسرت»، «سال‌های برف و برفش»، «امعمای شاه» و «اراش» و فیلم‌هایی مانند «تب»، «دوخ، برخ، بهشت»، «در مسیر باران» و «یک گزارش واقعی»، رحیم نوروزی نویسنده و کارگردان نمایش‌های «شما خانمی با مانتوی آبی نندیدید؟» و «امیرم روزنامه بخرم» هم بوده است.

■ **سالروز تولد ابراهیم مطیعی**، نمایشنامه‌نویس، **شوا مسعودی**، پژوهشگر تئاتر و کارگردان، **احمد مینایی**، نویسنده و کارگردان و بازیگر، **آناهیتا افشار**، بازیگر، **نوید فرح مرزی**، چهره پر بار و طرح صحنه، **محمد دائم کار**، هنرمند نقاشی روی سفال، **محمد آتش‌نی**، شاعر، **مهدی بهرامی**، داستان‌نویس، **حافظ عظیمی**، شاعر و **وادیا تیکر**، فیلمساز امریکایی هم امروز است.

درگذشت‌ها

مدیا کاشیگر، مترجم، نویسنده و شاعر کشورمان سال ۹۶ در چنین روزی درگذشت. مدیا کاشیگر متولد سال ۱۳۳۵ بود و تحصیلات متوسطه را در کشور روسیه و پایان رسانده بود. در دانشگاه در رشته معماری و اقتصاد پذیرفته شد اما تحصیل را نیمه تمام گذاشت و به جای آن شعرو ترجمه را جدی‌تر دنبال کرد. او که از بنیانگذاران جایزه احمد محمود و عضو هیأت امنای این جایزه بود خودش قصه‌هایی را با نام‌های «وقتی مینا از خواب بیدار شد» و «خاطره‌ای فراموش شده از فردا» منتشر کرد و مجموعه شعری هم به‌نام «سونات برفی در رمینور» داشت. آثاری از لادیمیر مایاکوفسکی، فرناندو آرابال، اوزن بوتسکو، آلبر کامو، آنتوان دو سنت اگزوپری و ویل ریگور با ترجمه مدیا کاشیگر در ایران منتشر شد و شناخته‌شده‌ترین ترجمه او «ابر شلوار پوش» مایاکوفسکی است.

■ **عبدالله فرادی**، امروز ۲۴ سال از درگذشت یکی از استادان بنام خوشنویسی ایران می‌گذرد. عبدالله فرادی که از استادان انجمن خوشنویسان ایران بود در سال ۱۳۰۶ هجری به دنیا آمده بود. پدرش اهل قلم بود و به فرزندانش توصیه می‌کرد خط را به قاعده و خوش‌نویسنده. عبدالله فرادی این توصیه را جدی‌تر دنبال کرد و در کنار تحصیل در رشته‌های الهیات و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی و البته زبان و ادبیات فرانسه در دانشگاه سوربن فرانسه خوشنویسی را که از کلاس چهارم ابتدایی آغاز کرده بود جدی‌تر آموخت. عماد طاهری ملقب به عمادالشریعه، علی مخصوص، علی آقا حسینی، علی اکبرخان کاوه استادانی بودند که او نزد آنها خوشنویسی را یادگرفت و در نهایت در سال ۱۳۲۳ شاکرد. سید حسن میرخانی شد. فرادی پس از بازنتشتگی از مشاغل حقوقی بنده شناسی را در دانشگاه تهران و طراحی حروف را در دانشگاه آزاد تدریس کرد و البته یکی از استادان انجمن خوشنویسان ایران بود. کتاب و خوشنویسی «داستان زال و روباه»، «شرح نهج البلاغه»، «فرمان مالک اشتر»، «مرقع قاف پارسی» و «مقدمه گنجینه هنر» از آثار اوست. ضمن اینکه بسیاری از کتیبه‌های مساجد کشور با خط او نوشته شده‌اند.

■ **آنتونیو ویوالدی**، یکی از مشهورترین آهنگسازان دوران باروک در سال ۱۷۴۱ در چنین روزی درگذشت. آنتونیو لوجو ویوالدی که به نواختن ویولن هم شهرت دارد سال ۱۶۷۸ در ایتالیا به دنیا آمد و از پدرش ویولن را یاد گرفت.

با آموزش‌های پدر و تلاش خودش استاد ویولن پروس‌شاهی در ونیز ایتالیا شد و بسیاری از کنسرتوها و قطعات مذهبی را برای کودکان این شهرشاه

تصنیف کرد و در این سال‌ها بسیاری از قطعات خود را هم نوشت. در سال ۱۷۰۵ اولین مجموعه از آثارش را با نام «لیوس یک» منتشر کرد و پس از آن کارش را ادامه داد. در سال ۱۷۱۳ مدیر اپرا شد و مدتی پس از آغاز کارش تصنیف یازده «آریا» که توسط او رهبری می‌شد بسیار موفق اجرا شد. نقطه اوج کار ویوالدی کنسرتوهای «چهار فصل» بود که حدود سال‌های ۱۷۲۰ میلادی آنها را نوشت. کنسرتوهایی که جنبشی نو در ادراک موسیقی به وجود آوردند و در آن آواز نرنگدان، صدای تندباده‌ها، آواز چوپان‌ها و بسیاری از نواهای طبیعت و زندگی مردم را به نمایش گذاشت. **یوهان سباستیان باخ**، آهنگساز آلمانی، **بهروز نوثیان**، پژوهشگر ادبی و **مصحح واین زاریانس** بازیگر هم در چنین روزی درگذشتند.



به قیمت ۸۰۰ هزار الی ۲/۱ میلیون پوند به فروش برسند. قرار است این سه اثر در جریان حراجی ساتیز در کنار خوندگاره‌ای از «امبرانت» به فروش گذاشته شوند.